

## یادداشتی دربارهٔ نقد دکتر یارمحمدی بر کتاب "گفتمان و ترجمه"

علی صلح‌جو

به نظر می‌رسد عنوانهای متشکل از دو نام با او ربط در میان آنها در فارسی گمراه‌کننده باشد. مثلاً اگر عنوان کتاب یا مقاله‌ای بیکاری و مهاجرت باشد، ممکن است این تلقی را ایجاد کند که نویسنده باید تصویر کاملی از بیکاری یا، برعکس، از مهاجرت با آمار و ارقام دقیق عرضه کرده باشد، حال آن‌که چنین نیست. در این‌گونه عنوانها منظور نه تنها ارائهٔ تصویری کامل از دو بعد مسئله نیست، بلکه در بسیاری موارد اصولاً قرار نیست که نویسنده هر دو وجه قضیه را یکسان بحث کند. در این موارد، غالباً یک مسئله خاص از جنبه‌ای خاص مطرح می‌شود یا، به سخن دیگر، از زاویه‌ای مشخص به آن نگریسته می‌شود. تصور من از نقد دکتر یارمحمدی این است که برداشت ایشان از عنوان کتاب من (گفتمان و ترجمه) این بوده که نویسنده می‌بایست مبحث گفتمان را تمام و کمال مطرح می‌کرده است و در نتیجه ایرادهایی که گرفته‌اند، ضمن درست بودن، ربطی به منظور نویسنده در کتاب مذکور ندارد. به نظر نگارنده، اگر بخواهیم تنها یک ایراد از میان ایرادهای موجود در نقدهای نوشته شده به قلم نویسندگان ایرانی بیرون بکشیم، همانا نقد اثر بدون در نظر داشتن هدف صاحب اثر، و غالباً بر مبنای هدف موجود در ذهن خود منتقد است.

هدف من از نوشتن گفتمان و ترجمه این بوده است که به ترجمه از زاویهٔ گفتمان نگاه کنم و در نتیجه، مبحث گفتمان را تا آنجا شکافته‌ام، و به صورتی عرضه کرده‌ام، که برای بحث مناسب بوده است. به عبارت دقیقتر، از آنجا که متن از طریق گفتمان تکوین می‌یابد، و از آنجا که گفتمانها در فرهنگها و زبانهای گوناگون ویژگیهای خود را دارند، محصول نهایی آنها یعنی متن ممکن است صورتهای متفاوتی پیدا کند. پرسش آشکار و نهان من در سراسر کتاب مذکور این بوده است که بگویم این نه تنها حق بلکه وظیفهٔ مترجم است که این شکافهای گفتمانی - متنی بین دو زبان را پر کند و کوشیده‌ام، تا حد مقدور، حدود این جبران کردنها را نشان دهم. طبیعتاً، برای این منظور اصول چهارگانه گرایس را بیشتر در جهت ایجابی به کار برده‌ام تا سلبی. و علت این امر آن است که ضوابط دور شدن از هنجارهای ارتباطی - نقطهٔ شروع کاربردشناسی - در درون یک زبان (نوشته) و بین دو زبان (ترجمه) با هم فرق می‌کند. دور شدن از هنجار ارتباطی نامحدود نیست و در هر حال مخاطبی را در درون همان زبان در نظر دارد، اما در ترجمه این مخاطب از حوزهٔ مخاطبان گوینده یا نویسنده

اصلی بیرون است و نقش جبران ساز مترجم نیز از همین جاست. بنابراین، منظور من این بوده است که بگویم متن چه شرایطی را باید دارا باشد تا بتوان آن را در چارچوب فرهنگی خاص درک کرد، نه این که خواسته باشم بگویم که خواننده برای درک گفته‌ها و گزاره‌های هنجارگریز از کدام راهبردهای کاربردشناختی باید استفاده کند که البته یکی از پایه‌های اصلی بحث گرایس است. اگر بپذیریم که ترجمه جز از طریق دستکاری متن صورت نمی‌گیرد - چیزی که اغلب نظریه‌های جدید ترجمه می‌گویند - و چنانچه بخواهیم اصول همکاری گرایس را به این مسئله اطلاق کنیم، ظاهراً راهی نداریم جز این که آن بعد از نظریه گرایس را که ناظر بر خصوصیات متن آرمانی است مطرح کنیم. سخن آخر این که، نظر دکتر یارمحمدی - پیر پرگماتیزم ایران - درباره توجه نکردن من به آن بعد از نظریه گرایس که با گفته‌های هنجارگریز و به ظاهر نامنسجم سر و کار دارد، دقیق و کاملاً درست است. اما لازم دانستم یادآور شوم که ضرورت بحث مرا به این گزینش واداشته است.

### قابل توجه متقاضیان اشتراک مترجم

۱. با احتساب هزینه پستی، مبلغ ۱۷۰۰ تومان بابت چهار شماره (هر جلد ۴۰۰ تومان) در نظر گرفته می‌شود.
۲. متقاضیان فرم زیر را با خطی خوانا پر کنند و همراه با اصل فیش بانکی به نشانی مجله ارسال فرمایند.

این جانب ..... که مشترک قبلی / متقاضی جدید هستم با نشانی .....  
 کد پستی .....  
 با ارسال فیش بانکی به مبلغ ۱۷۰۰ تومان به حساب ۵۱۰۵۶، بانک ملی ایران، شعبه خیابان دانشگاه  
 مشهد متقاضی اشتراک مترجم می‌باشم.

نشانی: مشهد، صندوق پستی ۶۹۷-۹۱۷۳۵ فصلنامه مترجم

توجه: مشترکین دانشجو از تخفیف ویژه برخوردارند. دانشجویان یک فتوکپی از کارت دانشجویی به فرم اشتراک پیوست نمایند و فقط مبلغ ۱۴۰۰ تومان به حساب مجله واریز کنند.